

# سرشار از بوی باران

مجموعه‌ی شعر ۴

منصور جعفری

سرشناسه : جعفری، منصور، ۱۳۴۶ -  
 عنوان و نام پدیدآور : سرشار از بوی باران / مجموعه‌ی شعر منصور جعفری  
 مشخصات نشر : کرج: اورازان، ۱۴۰۰  
 مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص. ۲۱×۱۴ س.م  
 فروست : مجموعه‌ی شعر ۴  
 شابک: ۷-۸۹-۷۶۵۸-۶۲۲-۹۷۸  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴  
 Persian poetry -- 20th century  
 PIR۸۳۳۹ رده بندی کنگره :  
 فا ۲۶/۱ رده بندی دیویی : ۸  
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۶۹۴۲۵  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

## سرشار از بوی باران

مجموعه‌ی اشعار : منصور جعفری



### انتشارات اورازان

طرح روی جلد: شهریار ایثاری

صفحه آرا: معصومه کیانی

شابک: ۷-۸۹-۷۶۵۸-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت روی جلد: ۵۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولف محفوظ است

مرکزپخش: تهران- میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۹، واحد ۹، بانک کتب

ایرانیان، تاس باناشرا ۹۱۹۱۴۵۸۱۲۰۹۱۲۰۹

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۱۵ | قصائد و غزل‌ها       |
| ۱۷ | طبیعت آینه معرفت     |
| ۱۸ | عطر حضور سبز         |
| ۱۹ | بهشتی جانفزا         |
| ۲۰ | عریانی باغ و بوستان  |
| ۲۱ | نردبان افتادنی       |
| ۲۲ | پاییز قشنگ           |
| ۲۳ | دارو و زهر سخن       |
| ۲۴ | عقل سرخ              |
| ۲۶ | حسرت مانده نیست      |
| ۲۷ | پنبه در گوش          |
| ۲۸ | ابر بغض زمستان       |
| ۲۹ | از مردم بی خبر       |
| ۳۰ | ماه کنعانی من        |
| ۳۲ | مازندران             |
| ۳۴ | طریق پیش بینی        |
| ۳۵ | عشق جاری در دل ذرات  |
| ۳۶ | راه عدل آینه ی ارشاد |
| ۳۸ | احمد مسعود           |
| ۳۹ | دیوانه عشق           |
| ۴۱ | ترک شیرازی           |
| ۴۳ | چشم بارانی           |
| ۴۴ | نهال غصه نشانیم      |
| ۴۵ | صیاد لحظه‌ها         |
| ۴۷ | طالبان خون آشام      |
| ۴۹ | ارزش سخن             |



- ۵۰..... به صحرا بیا.  
 ۵۱..... خوشا... بودند.  
 ۵۴..... ادعا گر می کنی  
 ۵۶..... تا که شوی  
 ۵۷..... یلدای پراز خاطره  
 ۵۹..... کرونا، ناقوس مرگ  
 ۶۱..... بشارت صبح امید  
 ۶۲..... در بند توهم  
 ۶۳..... دلبر ناز من  
 ۶۴..... قصه ی عشق  
 ۶۵..... منزل بی منزلی ها منزلم  
 ۶۶..... آزادی و آزادگی  
 ۶۷..... عزیز مصر  
 ۶۸..... گناه  
 ۶۹..... یادبادا استغناى ما  
 ۷۱..... روزگار آرزوهای قشنگ  
 ۷۳..... نقد و نظر  
 ۷۵..... **مثنوی**  
 ۷۷..... علی (ع)، ولی کردگار  
 ۷۹..... چرا روزگار؟  
 ۸۲..... سیاست و میاست گزار  
 ۸۵..... من کی ام؟  
 ۸۸..... همان بر سرش آمد  
 ۸۹..... رباعیات و دوبیتی ها





## سر آغاز نامه

ربّ زدنی علما: پروردگارا، علم مرا افزون کن. طه/۱۱۴

جهان فصل کتاب عارفان است      پر از احوال پیدا و نهان است  
درخت و سبزه و آوای بلبل      همه آیات هستی را نشان است

اگر بتوانم با مجموعه شعر ۴ با نام اصلی « سرشار از بوی باران » خنده‌هایی بر لبان بنشانم و دردهایی از جان بکاهم ، باید کلام را به هوا بیندازم و خدا را مکرر در مکرر شاکر باشم چون این مجموعه شعر ، حاصل کار شتابناک چند ماهه امسال یعنی، پنج و شش ماهه‌ی سال ۱۴۰۰ بنده و طلیعه‌ی تمرین‌ها و تجربه‌های ما در غث و سمین روزگار است و آنطور که باید و دلم می‌خواست، آرایش و پیرایشی صورت نگرفته است.

در این مجموعه ، شعرهایی با موضوع و محتوای گوناگونی وجود دارد و در همه سروده‌ها سعی کرده‌ام پشت به مردم و روزگارشان نباشم و حتی المقدور منعکس کننده آلام و شادی‌های آنها باشم و واقعیت‌های زندگی آرام و خوش یا مرداب‌وارشان را - که معلول علت‌های مختلفی است - نشان دهم و همه نوع حسّام را نسبت به واقعیات زندگانی‌شان در وجودم بروز دهم و حتی شعرهای بعضا عاشقانه هم، دستاویزی برای خوش کردن احوال مردم و



ماندن در محیطی سرشار از فاصله و ناملايمات است و الا خود، همیشه در زمره ی دوستداران تفکر، تأمل و اهل طلب بوده‌ام تا بزم و آواز و طرب.

شعرهای هر کسی، خواه و ناخواه چکیده افکار آدمی در کلیه امورند، اعم از زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تغییر و تحولات و تطورات در زندگی مردم و جامعه تا بزم و شادی و غم و اندوه آنان، و شاعر در واقع آینه دار زندگانی مردم در واقعیات آن است و اگر خود بخواهد می‌تواند نقش مورخ را هم در برخی از جلوه‌های شعری خود بازی کند، همانگونه که شاعران عصر مشروطیت در این زمینه، پیشرو بوده‌اند، البته شعر در زمره ی موضوع یکنواختی جا نمی‌گیرد و تعریف خاص خودش را دارد و گاهی انسان بواسطه شعر، از واقع به خیال و از ممکن به محال حرکت کرده و مستانه حالش را دگرگون می‌کند و به شعرش، گستردگی می‌بخشد.

شاید در این مجموعه شعرهایم « مذهب، سیاست و طبیعت » از قوت بیشتری برخوردار باشند و اینها به علایقم در اعتقادات و سلايقم در برداشت از زندگی برمی‌گردد و اگر چه کم توفیق بوده‌ام اما تمامی افکارم را در شعر طوری هدایت کرده‌ام که پا به پای سنت و مدرنیته حرکت کنم و



به یقین، عشق به هر کدام از اینها نفی نوآوری و کشف و شهود نیست و بنده سعی می‌کنم افق‌های گسترده تری را ببینم و دایره شمول شعرم را فراخ تر بگیرم تا هم برای خودم دلچسب باشد و هم برای مخاطبان اشعارم لذت آورو جذاب.

جهان شعر شاعران - اگر اهل کتاب و مطالعه باشند - فراتر از جهانی است که در آن زندگی می‌کنند و بی تردید عواطف و انگیزه‌های مردم با شاعر و همراه اوست و او نمی‌تواند فقط با ایده و افکارش زندگی کند و وسعت دید و گشادگی نظر نداشته باشد، به همین منظور، در شعرهایم خیلی از عاطفه و تخیل - که ویژگی‌های اصلی شعر است - بهره برده‌ام و بی تردید فهم آن برای مخاطب بعد از تأمل و تفکر روی اشعار و گشودن گره‌های اصلی‌اش، لذت‌بخش و شیرین خواهد بود؛ چون این دو خصیصه هم وسیله‌ی معرفت و درک حقیقتی است که باید با زبان شعر درک شود و هم باعث تازگی و با طراوت کردن شعر می‌شود، در این صورت هم اسباب انتقال و انگیزش عواطف شکل می‌گیرد و زیبایی در شعر خلق می‌شود و هم برای خواننده، جاذبه خواهد داشت.